

خیزش مجدد گفتمان راست افراطی در اروپا و تقابل با مسلمانان در عصر بیداری اسلامی

مهدی محمدنیا (نویسنده مسئول)^۱

محمود علیپور گرجی^۲

چکیده

خیزش مجدد گفتمان راست افراطی، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که امروزه کشورهای اروپایی با آن مواجه هستند. هدف از پژوهش حاضر مطالعه تأثیر خیزش مجدد گفتمان راست افراطی بر زندگی اجتماعی مسلمانان اروپا هست. پرسش اصلی مقاله این است که «خیزش مجدد گفتمان راست افراطی در اروپا، چه چالش‌هایی را می‌تواند فراروی مسلمانان اروپا قرار دهد؟» (مسئله) در پاسخ به پرسش مذکور، این فرضیه ارائه شده است: «خیزش مجدد گفتمان راست افراطی با مفصل‌بندی دال مرکزی ناسیونالیسم نژادی و غیریت‌سازی (بیگانه‌ستیزی) نسبت به مسلمانان، زمینه‌های امنیتی شدن اسلام و محدودیت حقوق سیاسی و اجتماعی مسلمانان اروپا را فراهم می‌آورد.» در این مقاله از روش کیفی (توصیفی-تحلیلی) به‌ویژه از روش تحلیلی گفتمان استفاده شده است. (روش) شیوه جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از مجلات تخصصی و سایت‌های معتبر اینترنتی بوده است. یافته اصلی پژوهش این است که بازخیز احزاب راست افراطی به‌ویژه در دهه اخیر، منجر به گسترش تعارضات و تشدید روند محدودسازی مسلمانان از حقوق اجتماعی خود در اروپا شده است. این شرایط می‌تواند با تعمیق همبستگی مذهبی، زمینه بیداری مسلمانان و تحریک حس هویت طلبی آن‌ها را در برابر ساختار نابرابر اجتماعی فراهم آورد. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: گفتمان راست افراطی، ناسیونالیسم نژادی، پوپولیسم، مسلمانان، هویت

۱. دکتری مطالعات استراتژیک-استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی ره، بروجرد، ایران.

mahdi.mnia@yahoo.com

<https://orcid.org/0000-0002-0381-6756>

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی ره، بروجرد، ایران.

alipour_mg558@yahoo.com

<https://orcid.org/0000-0002-2356-0786>

مقدمه

عصر بیداری اسلامی، عصر بازگشت به هویت اسلامی، مقاومت در برابر سلطه‌گری، مبارزه با بی‌عدالتی و دین‌ستیزی است. با گسترش حضور مسلمانان در اروپا از یک سو، رفتارهای اسلام‌ستیزانه و گسترش محدودیت‌ها را فراروی مسلمانان به‌ویژه از سوی احزاب و گروه‌های راست افراطی شاهد هستیم؛ و از سوی دیگر، زمینه مساعدی برای انسجام مسلمانان، بیداری و هویت‌طلبی آن‌ها فراهم شده است. نابرابری‌های سیاسی-اجتماعی و تبعیض‌ها در اروپا، مهم‌ترین زمینه بیداری، خودآگاهی و هویت‌طلبی گروه‌های اجتماعی است. هویت‌طلبی را می‌توان عکس‌العمل طبیعی به محرومیت‌های اجتماعی دانست، محرومیت‌هایی که بر مبنای عامل مذهب، نژاد، زبان و سایر اشکال فرهنگی دسترسی اقلیت‌های مذهبی و نژادی را به فرصت‌های اجتماعی و نقش‌های ارزشمند محدود می‌کند و به گفته کاستلز، باعث خیزش «هویت مقاومت» در برابر هویت رسمی مشروعیت بخش می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۴).

تفاوت‌های فرهنگی زمانی که با نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی عجین شده باشد، جذب و انسجام هویتی و ادغام سیاسی اجتماعات حاشیه‌ای در جامعه ملی به حداقل می‌رسد (قادر زاده و محمدزاده، ۱۳۹۷: ۲۴). در مقابل، در این نظام تبعیض‌آمیز، همبستگی خرده‌فرهنگ‌ها در مقابل هویت مرکزی تقویت شده و بستر مناسبی برای بیداری هویت‌های حاشیه‌ای فراهم می‌شود. امروزه مسلمانان در کشورهای اروپایی در معرض انواع محرومیت‌ها و تبعیضات اجتماعی قرار دارند که عمدتاً از سوی گفتمان راست افراطی حمایت می‌شوند. با توجه به اینکه در یک دهه اخیر این احزاب و گروه‌ها توانسته‌اند با نزدیکی یا ورود به حاکمیت موفقیت‌های چشم‌گیری را در عرصه سیاسی اروپا به دست بیاورند، حیات اجتماعی مسلمانان در معرض محدودیت‌های جدی‌تری قرار گرفته است؛ و این محدودیت‌ها می‌تواند زمینه را برای بیداری مسلمانان در متن نظام اجتماعی تبعیض‌آمیز فراهم نماید.

دو عامل بیشترین نقش را در گسترش نفوذ احزاب راست افراطی در اروپا دارند:

اول، گسترش مهاجرت مسلمانان به اروپا، دوم، گسترش رادیکالیسم اسلامی از سوی مسلمانان مهاجر و نوکیشان بومی. فعالیت‌های تروریستی نوکیشان، یکی از نکات مهم در خیزش احزاب راست افراطی به کنشگری تروریستی برخی از این نوکیشان مربوط می‌شود که در اکثر توطئه‌های تروریستی که بعد از ۱۱ سپتامبر در خاک اروپا رخ داده است، مشارکت داشتند.

توطئه بمب‌گذاری کفش^۱ در سال ۲۰۰۱، حملات تروریستی در مادرید و لندن به ترتیب در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، طرح بمب‌گذاری در سال ۲۰۰۷ در آلمان، و بمب‌گذاری در متروی مسکو در سال ۲۰۱۰، همگی یک ویژگی مشترک داشتند و آن مشارکت نوکیشان مسلمان بومی بود که اغلب در عربستان تربیت شده بودند و جهت تبلیغ اسلام سلفی و فعالیت تروریستی مجدد عازم اروپا شدند. این نوکیشان خود را واسطه مذهبی می‌دانند که هم به جامعه بومی خود و هم به مسلمانان تعلق دارند. آن‌ها خود را پیشتاز اسلامی می‌دانند و تبلیغ اسلام رادیکال را «جهاد به زبان^۲» تلقی می‌کنند (Karagiannis, 2011). این اقلیت کوچک سلفی (بومی و مهاجر) تلاش می‌کند از اسلام برای مشروعیت بخشیدن به خشونت‌های تروریستی خود استفاده کند. نقد جامعه میزبان و چشم‌انداز تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، تابع نوع برداشت رادیکال‌های بومی و مهاجر از اسلام است (Olesen, 2009:9). این دو عامل نقش به‌سزایی را در تحریک احزاب راست افراطی علیه مسلمانان داشته است.

ظهور مجدد و گسترش جریان‌های راست افراطی به‌ویژه در یک دهه اخیر، هشدارهایی را از سوی نهادهای مختلف سیاسی، رسانه‌ها و دانشگاهی به دنبال داشته است. این گفتمان توانست درصد قابل توجهی آراء عمومی را در انتخابات پارلمان اروپا به‌ویژه در ماه مه ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ که در ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا برگزار شده را به دست آورد؛ به‌گونه‌ای که از انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۹، میزان آرای این احزاب از یک نوع روند صعودی برخوردار گردید. در انتخابات پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۴، حزب راست افراطی دموکرات‌های سوئد با کسب ۷/۹ درصد آرا، حزب جبهه ملی فرانسه با کسب ۲۵ درصد آرا، حزب استقلال انگلیس با کسب ۳۱ درصد آرا و حزب مردم دانمارک با کسب ۲۸ درصد آرا توانستند به پارلمان اروپا راه پیدا کنند. در ایتالیا نیز حزب راست افراطی پنج ستاره با فاصله کم از حزب دموکراتیک و با کسب ۷ درصد آرا در رتبه دوم قرار گرفت. در آلمان نیز حزب «آلترناتیوی برای آلمان» توانست برای اولین بار با کسب ۷ درصد از آرا برای نخستین بار به پارلمان اروپا راه پیدا کند و ۳۰ درصد کرسی‌های پارلمان اروپا را به دست آورند. در انتخابات ۲۰۱۹ نیز احزاب راست افراطی با اقبال عمومی

۱. گفته شده است که ریچارد رید تبعه بریتانیا در سال ۲۰۰۱ از طریق جاگذاری بمبی در کفش خود قصد منفجر کردن یک هواپیمای مسافربری حامل ۱۹۷ نفر را داشت که از پاریس به مقصد میامی آمریکا در پرواز بود.

2. Jihad by Tongue

روبرو بوده و در برخی کشورهای اروپایی شمار کرسی‌های این احزاب در مقایسه با انتخابات قبلی افزایش داشته است. در این انتخابات در فرانسه حزب راست افراطی اتحاد ملی^۱ (جبهه ملی سابق) به رهبری ماری لوپن توانست با کسب ۲۳.۳۱ درصد آرا به‌عنوان حزب نخست برنده انتخابات شود. در انگلیس حزب تازه تأسیس راست افراطی برگزید^۲ (این حزب در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ بعد از خروج انگلستان از اتحادیه اروپا به حزب اصلاحات بریتانیا^۳ تغییر نام داد)، توانست با کسب ۳۱.۶۹ درصد آرا پیروز این انتخابات شود. در ایتالیا حزب راست‌گرای افراطی لگا^۴ با کسب ۳۴.۳۳ درصد آرا پیش‌تاز انتخابات شد (Euronews, 28/05/2019).

علاوه بر انتخابات پارلمان اروپا، گفتمان راست افراطی در برخی از کشورها توانسته‌اند کرسی‌های نمایندگی قابل توجهی را به دست آورد؛ این گفتمان در کشورهایی چون اتریش، ایتالیا، فنلاند، بلغارستان و اسلواکی، توانسته‌اند با دستیابی به قدرت در یک دولت ائتلافی مشارکت نمایند. افزایش میزان کرسی‌های این گفتمان در پارلمان اروپا، افزایش تعداد سازمان‌های متعلق به راست افراطی، افزایش میزان خشونت‌های این گفتمان به‌ویژه علیه مسلمانان و عادی شدن آن، نمودهای بارزی از خیزش مجدد این گفتمان در اروپا هستند؛ که می‌توانند معضلات جدی را فراروی مسلمانان اروپا ایجاد کرده و زمینه بیداری مسلمانان در اروپا را فراهم کنند. براین اساس مقاله حاضر با روش تحلیلی گفتمان به دنبال این پرسش است که خیزش مجدد گفتمان راست افراطی چه چالش‌هایی را فراروی مسلمانان در اروپا قرار می‌دهد؟ فرضیه محوری پژوهش این است که «خیزش مجدد گفتمان راست افراطی با مفصل‌بندی دال مرکزی ناسیونالیسم نژادی و غیریت‌سازی (بیگانه‌ستیزی) نسبت به مسلمانان، زمینه‌های امنیتی شدن اسلام و محدودیت حقوق سیاسی و اجتماعی مسلمانان در اروپا را فراهم می‌آورد».

در رابطه پیشینه تحقیق یعنی شکل‌گیری و گسترش جریان‌های راست افراطی مطالعات معدودی به فارسی نگاشته شده است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: در مقاله‌ای با عنوان «گسترش جریان راست افراطی در اروپا» (نوبخش و ایوبی، ۱۳۹۲)، نویسندگان به

1. National Rally
2. Brexit Party
- 3.Reform UK
4. League

بررسی ویژگی‌های جریان راست افراطی پرداخته و دلایل گسترش آن را مورد بررسی قرار داده است. به نظر نگارندگان عوامل هویتی و فرهنگی و مسئله مهاجرت مهم‌تر از مسائل اقتصادی در رشد جریان راست افراطی در اروپا تأثیرگذار بوده‌اند. مقاله بعدی با عنوان قدرت‌یابی گروه‌های راست افراطی در اروپا؛ علل و پیامدهای آن» (مجیدی و حاتم زاده، ۱۳۹۵) است که نگارندگان به مهم‌ترین علل و پیامدهای قدرت‌یابی گروه‌های راست‌گرای افراطی در اروپا پرداخته است و موضوعاتی مانند مهاجرت و بحران اقتصادی را علل مهم قدرت‌یابی جریان‌های راست افراطی فرض کرده‌اند. مقاله دیگر «بحران‌های چهارگانه و خیزش راست افراطی در اروپا» (دهشیری و قاسمی، ۱۳۹۶) هست که نویسندگان در پاسخ به پرسش دلایل رشد جریان راست افراطی در اروپا، به توضیح بحران‌های چهارگانه توزیع منابع، نمایندگی سیاسی، هویت و مهاجرت پرداخته‌اند. مقاله حاضر به‌طور خاص به بررسی علل تقابل جریان راست‌گرای افراطی با مسلمانان، در چارچوب نظریه گفتمان پرداخته است.

چارچوب نظری؛ گفتمان لاکلا و موف

روش گفتمان^۱ که به‌عنوان مطالعه بین‌رشته‌ای در علوم انسانی وارد شده پس از مدت اندکی، در جایگاه روش‌های رایج حوزه علوم سیاسی قرار گرفت. این روش تا به امروز با رویکردهای متفاوتی ارائه شده است که می‌توان گفتمان ساخت‌گرا در سال ۱۹۵۲ (سوسور، ۱۳۷۸: ۲۱)، گفتمان نقش‌گرا یا کارکردی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ (سرل، ۱۳۸۷: ۶۷)، گفتمان انتقادی در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ (فرکلاف، ۲۰: ۱۳۸۱) و گفتمان پساساختارگرای فوکو در سال ۱۹۶۱ (نوذری، ۱۳۸۸: ۲۳۰) را نام برد. ارنستو لاکلا و همسرش شنتال موف با تأثیرپذیری از فوکو توانستند روش گفتمانی را از عرصه زبان‌شناسی وارد حوزه سیاسی و اجتماعی نمایند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲: ۶۷)؛ و با نوشتن کتاب هژمونی و استراتژی (۱۹۸۵) به شهرت جهانی برسند. لاکلا و موف برخلاف فوکو بر گفتمانی بودن تمام حوزه‌های اجتماعی تأکید دارند (Howarth, 2000:39).

مهم‌ترین ابداعات این دو متفکر در استفاده از زبان‌شناسی سوسور^۲ علاوه بر بازنگری در

1. Discourse

2. Saussure

رویکردهای گذشته، منظومه معنایی است که از گفتمان با صورت‌بندی نشانه‌ها یا دال‌های مفصل‌بندی^۱ تحلیل نموده‌اند (Laclau and Mouffe, 1985:4). دال‌ها و نشانه‌های گفتمانی حول یک دال مرکزی^۲ که هسته مرکزی (نشانه ممتاز و برجسته) گفتمان است، ساماندهی می‌شوند؛ و سایر دال‌ها حول آن نظم می‌یابند و معنای خود را در رابطه با آن کسب می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۹۲:۵۷). از این منظر عناصر یا دال شناوری وجود دارند که در قالب گفتمان قرار نگرفته و معنای آن‌ها تثبیت نشده است. زمانی این عناصر معنا می‌یابند که در درون گفتمان قرار گیرند. براین اساس جاذبه هسته مرکزی است که سایر دال‌ها را جذب و مفصل‌بندی و یک مجموعه معنایی را پدید می‌آورد. لاکلا و موف برای ارتباط دادن دال‌ها و نشانه‌ها با یکدیگر، واژه مفصل‌بندی را بکار می‌برد که در آن رابطه‌ای بین عناصر هویت دال‌ها اصلاح و تعدیل می‌شود و نظام معنادار شکل می‌گیرد (Laclau and Mouffe, 1985:4).

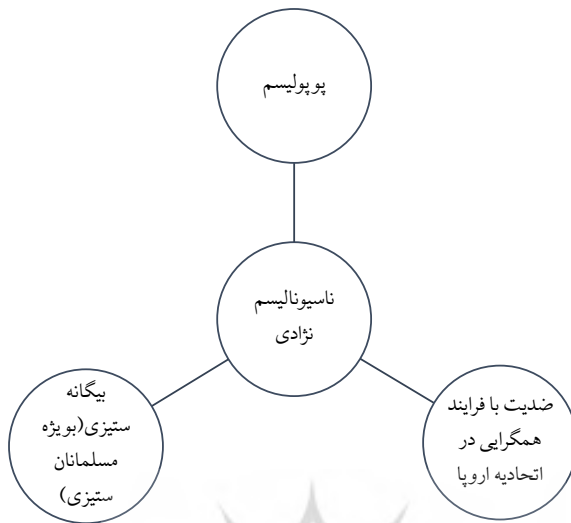
در شکل‌گیری و هویت بخشی گفتمان، غیر^۳ اهمیت کلیدی دارد. غیریت سازی در آثار اولیه لاکلا و موف، توأم با خصومت^۴، خشونت و منازعه است؛ چراکه هویت و شکل‌گیری یک گفتمان، در خشونت و تعارض با گفتمان‌های دیگر به‌مثابه غیر و دشمن، امکان‌پذیر است. این غیر، هویت گفتمان را تهدید می‌کند. از منظر لاکلا و موف غیریت سازی و تولید "دشمن" یا "غیر" برای ایجاد مرز در گفتمان‌ها نقش کلیدی ایفا می‌کند؛ و شرط شکل‌گیری و انسجام یک گفتمان، وجود غیر است (Laclau & Mouffe, 1985:27). و دال‌ها و گفتمان به دلیل ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن پیدا می‌کند، اهمیت می‌یابد. از این‌رو غیریت‌سازی در گفتمان‌ها توأم با سرکوب خشونت و خصومت همیشگی است؛ و دارای دو کار ویژه مهم است. از طرفی سازنده هویت گفتمان است و از سوی دیگر اختلافات و تفاوت‌ها^۵ را می‌پوشاند و منجر به انسجام گفتمان می‌شود. البته اختلافات و تفاوت‌ها به دو طریق در گفتمان‌ها برداشته می‌شود

1. Articulation
2. Nodal point
3. Other
4. Antagonism
5. Difference

یکی از طریق غیریت سازی است و دیگری از طریق زنجیره هم ارزی. در عمل مفصل بندی در یک گفتمان، دال ها در یک زنجیره معنایی ترکیب شده و در مقابل غیر که آن ها را تهدید می کند، رقابت ها و تفاوت ها را کنار می گذارند. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا شکل گیری گفتمان راست افراطی در اروپا و تقابل آن ها با مسلمانان که زمینه ای برای بیداری اسلامی است، در چارچوب تئوری گفتمان مورد مطالعه قرار گیرد.

مفصل بندی دال ها در گفتمان راست افراطی

جریان راست افراطی برای نشان دادن مجموعه ای از گروه ها و جنبش هایی است که با ویژگی انحصار طلب، متعصب و بومی گر و به لحاظ رفتاری تهاجمی معرفی می شوند (Kallis, Zeiger and Öztürk, 2018: 22). راست افراطی ریشه در سنت فاشیسم دارد که بعد از قدرت نمایی بین دو جنگ جهانی اول و دوم، رو به افول گذاشت. این جریان در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ توانست در کشورهایی چون آلمان، ایتالیا و اسپانیا را به قدرت دست یابد و در بسیاری از کشورها نیز به رقیب اصلی احزاب حاکم تبدیل شود. با این وجود، این جریان تا اوایل دهه ۱۹۸۰ نقش تعیین کننده ای در ساختار سیاسی دولت های اروپایی نداشت تا این که با تمرکز بر موضوعاتی چون مهاجرت، بیگانه هراسی، نژادپرستی و مخالفت با اتحادیه اروپا، در صحنه سیاسی اروپا ظهوری دوباره یافتند (دهشیری و قاسمی، ۱۳۹۶: ۴۶). هر چند در ادبیات سیاسی، اجماع مشترکی درباره گفتمان راست افراطی وجود ندارد؛ با این حال بیشتر محققین، راست افراطی را بر پایه ملی گرایی انحصاری توضیح داده اند (Golder, 2016: 6). بر این اساس گفتمان راست افراطی بر دال مرکزی ناسیونالیسم نژادی و وقته های مشترک مهاجر ستیزی به ویژه پوپولیسیم، ضدیت با همگرایی در اتحادیه اروپا، مفصل بندی شده اند. (نمودار ۱) هر یک از این نشانه ها به صورت یک شبکه در مفصل بندی گفتمان راست افراطی تأثیرگذارند؛ که در گفتارهایی زیر بررسی می کنیم.



نمودار ۱: مفصل‌بندی دال‌های گفتمان راست افراطی

۱. ناسیونالیسم نژادی به مثابه دال مرکزی

یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز انسجام مسلمانان در قالب هویت اسلامی، ظهور گفتمان‌های افراطی ناسیونالیستی و تلاش آن‌ها برای هژمونی و به حاشیه بردن هویت اسلامی از صحنه سیاسی-اجتماعی اروپا است. در این راستا گسترش ناسیونالیسم نژادی، به‌ویژه با اسلام‌هراسی و رفتارهای مسلمان‌ستیزانه، می‌تواند تأثیر عمده‌ای را در بیداری مسلمانان و حرکت آن‌ها به سمت هویت طلبی و انسجام مذهبی به‌عنوان تنها راه برون‌رفت از بحران‌های موجود، به‌جای گذارد.

گفتمان راست افراطی، ناسیونالیسم نژادی را دال مرکزی گفتمان خود معرفی می‌کند و هویت ملی خود را در معرض تهدید فرهنگ‌های خارجی می‌داند. (Schain, 2018:1) ناسیونالیسم نژادی به دنبال اخراج مهاجرین برای دستیابی به یک دولت تک فرهنگی است. عمده احزاب راست افراطی دارای گرایش‌های ناسیونالیسم نژادی هستند. گفتمان راست افراطی در اروپا از طریق ناسیونالیسم نژادی به دنبال زنجیره هم‌ارزی هستند تا در واکنش به گفتمان‌های دیگر، تفاوت‌ها

و اختلافات احزاب راست افراطی را بیوشاند تا انسجام ایجاد کند. به همین خاطر ناسیونالیسم نژادی با بومی‌گرایی آمیخته است. بومی‌گرایی تلاش می‌کند تا ناسیونالیسم را با بیگانه‌هراسی ترکیب نماید؛ به طوری که دولت‌ها را دعوت می‌کنند تا توجه خود را فقط معطوف به اعضای گروه‌های بومی نماید؛ و عناصر غیربومی را به‌عنوان تهدید جدی علیه دولت ملت تک فرهنگی معرفی کنند. بومی‌گرایی ترکیبی از ملی‌گرایی و بیگانه‌هراسی است. بدین معنا که عناصر غیربومی مثل نژاد، مذهب و زبان به‌عنوان تهدیدی علیه هویت ملی تلقی می‌شوند (Golder, 2016: 4).

۲. پوپولیسم و عوام‌گرایی

پوپولیسم، یکی از مهم‌ترین دال‌های گفتمان راست افراطی محسوب می‌شود؛ به همین دلیل این گفتمان توانست به موفقیت‌های انتخاباتی قابل توجهی در انتخابات اروپایی و حتی انتخابات پارلمان‌های ملی دست یابد. این گفتمان از احساسات عمومی به‌عنوان ابزاری در جهت به دست آوردن آرای عمومی و تبلیغات استفاده می‌کنند. پوپولیسم مخالف نخبه‌گرایی و کثرت‌گرایی است؛ بدین معنا که برخلاف نخبه‌گرایی، مردم را گروه برتر تلقی می‌کند و نخبگان را طبقه انگل جامعه تلقی می‌کند که تقاضاهای مردمی را نادیده می‌گیرند؛ از نگاه پوپولیستی، جامعه به دو گروه متمایز تقسیم می‌شود: «نخبگان فاسد» و «مردم اصیل» که ماهیتاً متضاد هستند (ÖNER, 2014: 96-97). از سوی دیگر گفتمان راست افراطی از احساس منفی مردم نسبت به حکومت برای رأی‌آوری در انتخابات استفاده می‌کند و در تلاش است تا با بزرگ‌نمایی تهدیدات هویتی، تفکر رأی‌دهندگان را تغییر دهد (Brug, Fennema and Tillie, 2000: 83). انتقادات روزافزون، اغلب مهم‌ترین دلیل حمایت مردم از احزاب راست افراطی است؛ چراکه از وضع موجود خسته شده و به دنبال تغییر هستند؛ و وعده تغییر نیز شعار مشترک همه احزاب راست افراطی است (Eller, 2017: 4-5). این احزاب از طریق اشکال جدیدتر ارتباطات توانسته‌اند با شهروندان ناامید از سیاست‌های سنتی ارتباط برقرار کنند و با مقابله با سیاست نهادینه‌شده پراگماتیسمی، توجه بخشی از شهروندان و افکار عمومی را از طریق مجموعه‌ای از وعده‌ها و شعارهای عوام‌فریبانه همچون دموکراسی حقیقی، حاکمیت مردم، نجات مردم از تهدیدهای ساختگی، گفتار خصمانه در قبال احزاب حاکم و سیاست‌های آن‌ها و محدود کردن مهاجرت و ورود مهاجران، به خود جلب کنند. (نظری و سلیمی، ۱۵۹-۱۶۰: ۱۳۹۴).

۳. تشکیک در اروپای واحد

گفتمان راست افراطی در اتحادیه اروپا، اروپا هراسی را نیز در دستور کار قرار داده‌اند؛ و معتقدند که جهانی سازی و اروپایی سازی دوروی یک سکه هستند که توسط نخبگان قدرتمند برای محروم کردن مردم اروپا از حقوق ملی بکار می‌روند. لذا یکی از مهم‌ترین دستورکاژهای این احزاب طرفداری از خروج کشورهای متبوعشان از اتحادیه اروپا هست. خروج انگلستان از اتحادیه اروپا مورد حمایت شدید حزب سابق راست افراطی برگزیت (حزب اصلاحات کنونی) بوده است یا حزب دموکراتیک ملی در آلمان، خروج این کشور از اتحادیه اروپا را تشویق می‌کنند؛ و برخی دیگر که بدبینی کمتری به اتحادیه اروپا دارند، این اتحادیه را صرفاً به هماهنگ‌کننده اقتصادی دولت‌های حاکم تنزل می‌دهند. نگاه منفی این احزاب به اتحادیه اروپا مانع از این نمی‌شود که در پارلمان اروپا حضور داشته باشند. راه‌حل‌های این احزاب در سطح اقتصادی، حمایت گرایی؛ در سطح سیاسی، سختگیری و مشارکت مستقیم؛ در سطح اجتماعی، گفتمان ضد مهاجرت مبتنی بر ترس و نفرت و در سطح فرهنگی تأکید بر رسوم سنتی و آیین‌های مذهبی است (Rodríguez-Aguilera, 2014: 178-179). یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های احزاب راست افراطی حفظ حاکمیت ملی در برابر حاکمیت اتحادیه اروپایی است. از نظر این احزاب، اروپا گرایی با سیاست تک فرهنگی، می‌تواند با نادیده گرفتن تفاوت‌های خاص تاریخی و فرهنگی هر کشوری، به تدریج فرهنگ و هویت بومی کشورهای عضو را در هویت یکپارچه اروپایی ادغام کند. به لحاظ اقتصادی نیز این احزاب حاکمیت اقتصادی اتحادیه اروپا بر نهادهای اقتصادی ملی را موجب تحمیل هزینه‌های غیر ضروری جهت مصارف فراملی می‌دانند.

۴. بیگانه‌ستیزی و تقابل با مسلمانان:

تولید «غیر» یا «دشمن» برای ایجاد مرز میان گفتمان‌ها اهمیت زیادی دارد؛ اساساً شرط هویت و شکل‌گیری گفتمان، وجود غیر و دیگری^۱ است (Laclau & Mouffe, 1985: 27) و دال‌ها در گفتمان به دلیل ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن پیدا می‌کند، اهمیت می‌یابد. در گفتمان راست افراطی، مهاجرین به‌ویژه مسلمانان اصلی‌ترین «دگرها» و دفع «غیر» مهم‌ترین هدف

محسوب می‌شود. برخی محققین به این احساسات ضد مهاجرت و ضد اسلامی، نژادپرستی فرهنگی^۱ نام نهاده‌اند و معتقدند که مسلمان‌هراسی^۲ در قالب نژادپرستی فرهنگی، شکل جدیدی در اروپا به خود گرفته است (Modood, 2005:37). به عبارت دیگر اسلام‌ستیزی یک مجموعه نژادپرستانه است که شامل احساسات ضد سیاه‌پوست، ضد آسیایی، ضد ترک، ضد عرب، ضد یهودی و... است.

درواقع احزاب راست افراطی با استثنای گرای و جدایی خود از دیگران، ادغام مسلمانان را در جامعه اروپایی سخت‌تر کرده و زمینه جدایی آن‌ها را از هویت اروپایی و انسجام در مسیر هویت اسلامی را فراهم می‌کنند. شکست پروژه ادغام مسلمانان در جوامع اروپایی، می‌تواند حتی برخی از آن‌ها را در برابر ایدئولوژی‌های جهادی آسیب‌پذیرتر کرده و آن‌ها را به سمت رادیکالیسم هدایت کند.

در رویکردهای نژادپرستانه احزاب راست افراطی دو ویژگی مشترک است: اول، تأکید بر تفاوت‌های ظاهری همچون نوع رنگ پوست، نوع مو و... است. دوم، تأکید بر تفاوت‌های فرهنگی، مذهب، زبان، لباس و... است؛ که هر دو به عنوان مسیری برای متمایز کردن خود از دیگری و دفع «غیر» به کار می‌رود (Samad and Sen, 2007:30-31). به همین خاطر نگاه بسیاری از کشورهای اروپایی به مهاجرین به‌ویژه مسلمانان، تحقیرآمیز است. در این کشورها نوعی از تقسیم‌بندی غیررسمی بین دو گروه خودی و غیرخودی به رسمیت شناخته شده است؛ و همواره مهاجرین آسیایی، آفریقایی و شهروندان امریکای لاتین شاهد نوعی نگاه معنادار از سوی شهروندان بومی اروپایی هستند (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

به‌طورکلی، تعداد مهاجران از کشورهای عمدتاً مسلمان به اروپای غربی و آمریکا در سی سال گذشته به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. هرچند متخصصین، سرمایه‌داران و طبقاتی بالای شغلی میان مهاجرین اروپا حضور دارند، اما برخلاف مهاجرین آمریکا، غالب مهاجرین اروپا را کارگران عمومی، دانشجویان و پناهندگان سیاسی تشکیل می‌دهند که فاقد ویژگی کارآمدی و درآمدزایی هستند، لذا از سوی جامعه میزبان به‌عنوان طفیلی جامعه نگریسته می‌شوند و در نتیجه مواجهه با انبوهی از نابرابری‌ها، تبعیضات نژادی و مذهبی هستند. (جدول‌های شماره ۱ و ۲ نوع

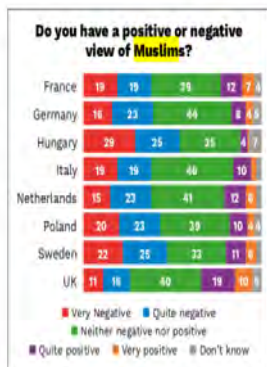
1. Cultural Racism

2. Muslimophobia

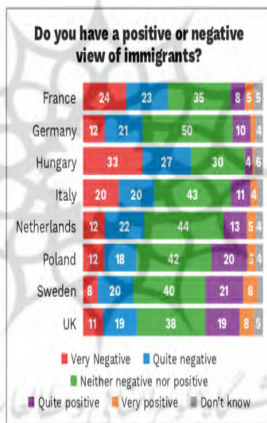
نگاه به مهاجرین و مسلمانان در کشورهای مختلف اروپایی را نشان می‌دهد) از آنجاکه غالب مهاجرین اروپا را مسلمانان تشکیل می‌دهند، لذا ادبیات ضد مهاجرت از سوی احزاب راست افراطی نیز به سمت مسلمان ستیزی هدایت شده است (Cesari, 2009: 5-6). به‌عنوان مثال جریان « اروپاییان وطن‌پرست علیه اسلامیزه کردن غرب» موسوم به «پگیدا»^۱ نمونه معروف جریان راست افراطی در آلمان است که در اکتبر ۲۰۱۴ در شهر درسدن^۲ توسط لوز باخمان^۳ مالک یک آژانس تبلیغاتی بنیان‌گذاری شد. این جریان راست‌گرای ضد اسلامی و ضد مهاجرت، توجه بسیاری از تحلیل‌گران بین‌المللی را به خود جلب کرده است. حملات تروریستی در اروپا از جمله حمله ۷ ژانویه در پاریس به دفتر مجله شارلی ابدو فرصت مناسبی را برای پگیدا فراهم کرد تا با نیروی مضاعف از ادعاهای افراطی خود را دنبال کنند (Peschlova, 2015: 1). حتی این جریان در مدت کوتاهی توانست در کشورهایی چون اتریش، نروژ، دانمارک و لهستان طرفدارانی را به دست آورد. (Peschlova, 2015: 4). با ظهور داعش در سوریه و عراق و متعاقب آن هجوم پناهندگان این کشورها به آلمان، جریان راست افراطی توانست مخاطبین زیادی را با خود همراه کند و بر تعداد طرفداران خود را بیفزاید. به همین خاطر امروزه در جوامع اروپایی محدودیت‌ها و تبعیضات نژادی در قبال مسلمانان مهاجر به‌ویژه نسل دوم مسلمانان به‌عنوان «غیر» وجود دارد. محدودیت‌هایی در رابطه با اشتغال، حجاب و پوشش سر، موانع اداری در ساخت مساجد جدید یا توسعه مساجد قدیمی، اکراه دولت‌های اروپایی برای کمک‌های مالی به مدارس اسلامی، و در همان حال پشتیبانی مالی از شمار زیادی از مدارس یهودی، کاتولیک و پروتستان، علیه مهاجران مسلمان اعمال می‌شود (Foner and Alba, 2008: 370). مهم‌ترین دغدغه این گفتمان انگیزه‌های اقتصادی، دغدغه‌ای امنیتی و هویتی است. از این رو غیریت‌سازی و تقابل با مسلمانان از سوی گفتمان راست افراطی، در چهار سطح فرهنگی، اقتصادی، جمعیتی و امنیتی مطرح شده است.

1. Pegida (Patriotische Europa'er gegen die Islamisierung des Abendlandes)
2. Dresden
3. Lutz Bachmann

جدول شماره ۱- شما به مسلمانان نگاه مثبت دارید یا منفی؟



جدول شماره ۲- شما به مهاجرین نگاه مثبت دارید یا منفی؟



منبع:

<https://www.amadeu-antonio-stiftung.de/wp-content/uploads/2021/02/ESOH-LOCKED-FINAL.pdf>

۱.۴. سطح فرهنگی

به لحاظ فرهنگی، یکی از علل گرایش به گفتمان راست افراطی، مخالفت با سیاست چند فرهنگ گرای است. از این منظر چند فرهنگ گرایی نابودکننده فرهنگ‌های بومی و نشانه انحطاط ملی است؛ و منجر به تنزل فرهنگی می‌شود. احزاب در این گفتمان در مقایسه با دیگر احزاب، حامی متعصب ایدئولوژی‌های ملی، و دارای احساسات میهن پرستانه عمیق‌تری هستند.

(جوادی، موسوی زاده و متقی، ۱۳۹۶: ۵۰) این احزاب به اسلام به عنوان یک منشأ تهدید علیه هویت سکولار اروپایی و ارزش لیبرال نگاه می‌کنند. احزاب راست افراطی به طرفداران خود یک هویت انحصاری عرضه می‌کنند که در بردارنده ارزش‌های مسیحی و لیبرال است؛ که در تقابل با هویت مسلمانان است. زوکیوت ادعا می‌کند تأکید فزاینده بر هویت اروپایی در میان احزاب راست افراطی معمولاً به توسعه فزاینده «اسلام» به عنوان «غیر» اروپایی گره خورده است (Zuquete, 2008: 332). این گفتمان با استفاده از احساسات ملی‌گرایانه به شعارهای ضد مهاجر و بیگانه‌ستیزی روی آورده‌اند؛ و توانسته‌اند در سال‌های اخیر به موفقیت‌های انتخاباتی دست یابند. (جعفری فر و مجیدی، ۱۳۹۷: ۲-۳) در این راستا سیاستمدارانی چون مارین لوپن (رئیس حزب جبهه ملی فرانسه)، گریت ویلدرز (رئیس حزب آزادی هلند)، ایان هیرسی علی (عضو سابق سنای هلند و معروف به سلمان رشدی دامن پوش)، و مارچلو پراد (رئیس سابق مجلس سنا) در ایتالیا، به منظور کسب جایگاه سیاسی در جامعه با تحریک احساسات ناسیونالیستی اسلام را تهدید بزرگ علیه تمدن اروپایی معرفی کرده‌اند؛ و گریت ویلدرز (رئیس حزب آزادی هلند) علناً اظهار داشت: من از مسلمانان متنفر نیستم، من از اسلام متنفر دارم (The Guardian, 17/02/2008). او عقیده دارد که هیچ مسلمان میانه‌رو وجود ندارد (Daily 2007, 14 Aug Telgerapg). در مقابل، تلاش مهاجرین مسلمان برای برپایی مراسم مذهبی خود نیز مشکلاتی را برای مسلمانان به دنبال داشته است (Foner and Alba, 2008: 372). این مشکلات در مورد مسائلی چون حجاب، تدفین در قبرستان شهر، مراسم ذبح، سیستم آموزشی مختلط، مراسم ازدواج، شرط وجود اتاق نماز در محل کار و نهاد های آموزشی، پرورش و آموزش امامان جماعت در اروپا و ساخت مساجد جدید از سوی مسلمانان مطرح گردید؛ این چالش‌ها منجر به افزایش آگاهی مذهبی نسل جوان مسلمان شده است (Laurence and Vaisse, 2006: 16).

۲.۴. سطح اقتصادی

به لحاظ اقتصادی گفتمان راست افراطی معتقد است پذیرش مهاجران جدید به معنای افزایش مشکلات اقتصادی و به خطر افتادن امنیت شغلی شهروندان کشور میزبان است. به باور این گفتمان، پذیرش مهاجران به این معناست که هزینه‌هایی را که باید صرفاً آموزش و خدمات رفاهی برای شهروندان اروپایی شود، در اختیار مهاجران قرار می‌گیرد؛ و راه‌حل این مشکلات،

اخراج مهاجران است. براین اساس تصور از مهاجرین مسلمان در اروپا به مثابه هویت «غیر» در مقابل «خودی» است. این شکاف در هویت «خودی» و «غیر» در نابرابری اقتصادی برجسته می‌شود. طبق آمارها فرزندان مهاجران در مقایسه با فرزندان خانواده‌های بومی اروپایی از سطح سرمایه انسانی بسیار پایینی برخوردارند که خود مانعی عمده در برابر پیشرفت نسل دوم مهاجران محسوب می‌شود (Alba, R., 2005:42). در حوزه بازار کار نیز تبعیضات نژادی وجود دارد. تحقیقات انجام شده در بلژیک، اسپانیا و فرانسه نشان می‌دهد درصد بیکاری فرزندان مهاجرانی که از آفریقای شمالی، صحرای آفریقا و ترکیه به اروپا می‌آیند، زیاد است (Foner and Alba, 2008:371).

بسیاری از مسلمانان اروپا از جایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تری نسبت به بومیان برخوردارند. نرخ بیکاری مهاجرین مسلمان بالاتر از حد متوسط کشورهای اروپایی است (EUMC, 2003:31). مسلمانان اغلب در مشاغلی به کار گرفته می‌شوند که به صلاحیت‌های پایین‌تری نیاز است، لذا بیشترین حضور را در بخش‌های کم‌درآمد جامعه دارند (EUMC, 2006:8). البته این موضوع گمراه‌کننده خواهد بود که این تبعیضات را صرفاً بر مبنای تفاوت‌های مذهبی توضیح دهیم، بلکه عوامل دیگری چون تخصص، مدارک تحصیلی، مهارت‌های زبانی نیز بر فرصت‌های شغلی و عملکرد گروه‌های مهاجر تأثیرگذارند (Ibid:51). آمارها در فرانسه، اسپانیا آلمان و هلند نشان می‌دهد که بسیاری از مهاجرین مسلمان در این کشورها موفقیت‌های آموزشی پایین‌تری نسبت به بومیان داشته‌اند (Ibid:51).

۳.۴. سطح اجتماعی (با تأکید بر عنصر جمعیتی)

اسلام سریع‌ترین دین در حال رشد در اروپا است. اگرچه بیشتر این رشد ناشی از مهاجرت و نرخ بالای زادوولد در میان مسلمانان ساکن در اروپا بوده است، بخش اندکی از این رشد، به نوکیشان اروپایی اختصاص دارد مذهب خود را به اسلام تغییر داده‌اند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اروپاییان به‌ویژه احزاب و گروه‌های راست افراطی، بهم خوردن توازن جمعیتی مسیحیان اروپا در برابر گسترش حضور مسلمانان به‌ویژه در چند دهه آینده است. در واقع آمارها نشان می‌دهد اگر سیر رشد مسلمانان در اروپا همین‌گونه تداوم یابد، هویت مسیحی اروپا با چالش‌های جدی در برابر هویت اسلامی مواجه خواهد شد. در واقع، با عوض شدن زمین‌بازی، قواعد بازی نیز

عوض خواهد شد و در دهه‌های آینده قاعده‌مندی سیاسی و اجتماعی در اروپا دیگر نمی‌تواند بر مبنای الگوهای مسیحیت پایه‌ریزی شود؛ چراکه با تعدیل هژمونی مسیحیت، نقش هویت اسلامی در سامان سیاسی-اجتماعی اروپا جدی‌تر خواهد شد. براین اساس، انتظار می‌رود در آینده با افزایش جمعیت مسلمانان اروپا، شاهد گسترش تنازعات و خشونت‌های هویتی در این قاره سبز باشیم و این خود می‌تواند زمینه‌ساز انسجام بیشتر مسلمانان و تقویت هویت مقاومت در برابر هویت‌های رقیب باشد.

براساس آمار مرکز تحقیقاتی پیو، تا سال ۲۰۵۰ شمار مسلمانان اروپا به ۱۰/۲ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. نرخ رشد جمعیت مسلمانان در اروپا ۳۵ درصد است. نتایج این آمار حاکی از آن است که جمعیت مسلمانان با سرعت بیشتری نسبت به غیرمسلمانان رشد می‌کند. اگر این الگو ادامه یابد تا سال ۲۰۵۰ در جهان برای اولین بار در جهان، شمار مسلمانان تقریباً برابر شمار مسیحیان خواهد شد. یعنی حدود ۲/۸ میلیارد مسلمان (۳۰ درصد از کل جمعیت دنیا) و ۲/۹ مسیحی (۳۱ درصد از کل جمعیت دنیا). (Pew Research Center, 02/04/2015) در رابطه با کشورهای اروپایی نیز آمارها متغیر است. آلمان و فرانسه بزرگ‌ترین جمعیت مسلمان دارا هستند. طبق آمارهای این مرکز، در سال ۲۰۱۰، جمعیت مسلمان آلمان حدود ۴/۷۶ میلیون نفر بوده است که ۵/۸ درصد از کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد است. پیش‌بینی این مرکز بیانگر این است که جمعیت مسلمان آلمان تا سال ۲۰۲۰ به ۵/۵۳ میلیون نفر یعنی حدود ۵/۸ درصد از کل جمعیت خواهد رسید. جمعیت مسلمان فرانسه نیز در سال ۲۰۱۰ حدود ۴/۷۱ میلیون نفر یعنی ۷/۵ درصد از کل جمعیت این کشور بوده است. مرکز تحقیقاتی پیو پیش‌بینی کرده است که تا سال ۲۰۲۰ شمار مسلمانان این کشور به ۵/۴۳ میلیون نفر یعنی حدود ۸/۳ درصد از کل جمعیت این کشور برسد (Pew Research Center, 2015). براساس آمار دیگری، شمار مسلمانان فرانسه در سال ۲۰۱۴، حدود ۶/۱۳ میلیون نفر یعنی ۹/۶ درصد از کل جمعیت این کشور بوده است (Muslimpopulation, 2015).

البته این آمارها جمعیت مهاجر اخیر که در نتیجه بحران سوریه به کشورهای اروپایی رفته‌اند را در نظر نگرفته‌اند؛ و با احتساب آن‌ها، شمار جمعیت مسلمان اروپا به‌ویژه آلمان که بیشترین جمعیت مهاجر را در خود جای‌دهد است (نزدیک یک میلیون نفر)، بیشتر از آمارهای موجود خواهد بود. با توجه به اینکه آلمان پایین‌ترین نرخ زادوولد را در اروپا دارد و جمعیت این کشور رو

به پیری است. طبق آمار کمیسیون اروپا جمعیت آلمان تا سال ۲۰۶۰ از ۸۱/۳ به ۷۰/۸ میلیون نفر کاهش پیدا خواهد کرد (European Commission, 2015)، لذا تهدید علیه توازن جمعیتی در آلمان محسوس تر از سایر کشورهای اروپایی است.

این نکته حائز اهمیت است که مسلمانان اروپا جمعیت جوانی را تشکیل می‌دهند به طوری که ۵۰ درصد از مسلمانان اروپا در مقایسه با ۳۲ درصد از غیرمسلمانان، کمتر از ۳۰ سال سن دارند (Hackett, 29/11/2017).

براساس یک پژوهش علمی دیگر که به تحلیل روند جمعیتی اروپا پرداخته است، جمعیت مسلمانان اروپا در میان ۱۳ کشور اروپایی^۱ بین سال‌های ۲۰۸۵ تا ۲۲۱۵ اکثریت خواهد بود. افزایش جمعیت مسلمانان چهره اروپا را از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تغییر خواهد داد. نمونه‌هایی از این تغییرات عبارت‌اند از: تکثیر مساجد، اذان از بلندگوها، تجاری‌سازی غذاها و محصولات حلال، تنظیم ساعات کاری با محدودیت‌های ماه مبارک رمضان، قوانین جدید به نفع جمعیت مسلمان و مداخله فزاینده دولت‌های خارجی در سیاست اروپا (Roştan and Roştan, 2019:142). از این رو، جریان‌های راست افراطی همواره نسبت به غالب شدن جمعیت مسلمانان در اروپا و تهدید هویت مسیحی این قاره در دهه‌های آینده هشدار داده‌اند و آن را به معنای زنگ خطری برای کلیسا تلقی کرده‌اند.

۴.۴. سطح امنیتی (امنیتی کردن مهاجرت)

به لحاظ امنیتی، گفتمان راست افراطی تلاش می‌کند تا موضوع مهاجرت را امنیتی کرده و اسلام را به حرکت‌هایی مثل القاعده و داعش مرتبط کنند. ارائه تصویر نادرست از اسلام، منجر به یک سیاست متناقض از سوی دولت‌های اروپایی شده است؛ که خود زمینه تشدید رادیکالیسم را فراهم کرده است. این احزاب اروپایی در این گفتمان به مسلمانان به عنوان یک تهدید علیه موجودیت خود نگاه می‌کنند؛ و معتقدند گسترش حضور مسلمانان در جوامع، منجر به توسعه رادیکالیسم و تروریسم می‌شود. لذا در سایه این نگرانی‌های امنیتی و ضد تروریستی، تلاش

۱. قبرس (در سال ۲۰۸۵)، سوئد (۲۱۲۵)، فرانسه (۲۱۳۵)، یونان (۲۱۳۵) بلژیک (۲۱۴۰)، بلغارستان (۲۱۴۰)، ایتالیا (۲۱۷۵)، لوکزامبورگ (۲۱۷۵)، انگلستان (۲۱۸۰)، اسلونی (۲۱۹۰)، سوئیس (۲۱۹۵)، ایرلند (۲۲۰۰) و لیتوانی (۲۲۱۵).

می‌کنند تا اقدامات فراقانونی خود را علیه مهاجرین مسلمانان، توجیه کنند؛ و بخشی از آزادی مسلمانان و حقوق بشر را قربانی به اصطلاح امنیت خودکرده و محدودیت آن‌ها را در فضای عمومی بیشتر کنند (Cesari, 2009:2).

نوع رفتارهای امنیتی پلیس نیز در قبال مسلمانان با تبعیض نژادی همراه بوده است. به‌عنوان مثال بیش از ۵۰۰ مورد بررسی اوراق هویت افراد دریکی از ایستگاه‌های ترانزیت پاریس نشان می‌دهد مسلمانان ۵/۷ بار بیش از سفیدپوستان اروپایی مورد بازرسی قرار گرفته‌اند. این وضعیت، در سایر کشورهای اروپایی از جمله آلمان و انگلیس و ایتالیا نیز به چشم می‌خورد. در حوزه سیاسی، یکی از نکات قابل تأمل در رفتارهای تبعیض‌آمیز دولت فرانسه در قبال مسلمانان، محدود کردن و در بسیاری موارد مسدود کردن راه ورود آن‌ها به عرصه‌های تصمیم‌گیری کلان کشور است (پوراسماعیلی، ۱۳۹۰) افزایش مهاجرین از کشورهای مسلمان و مشاهده گسترش نمادهای فرهنگ اسلامی در زندگی عمومی مثل پوشش مذهبی زنان، مساجد با مناره‌های بلند، صدای اذان و سایر نمادهای اسلامی منجر به افزایش اقدامات گفتمان راست افراطی در برابر گسترش حضور فرهنگ اسلامی در کشورهای اروپایی گردیده است (Schain, 2018:9).

۵.۴. غیریت‌سازی: خصومت و خشونت‌گرایی علیه مهاجرین به‌ویژه مسلمانان

غیریت در آثار اولیه لا‌کلا و موف، معنای خشونت خصمانه دارد و به معنای سرکوب غیر و دشمن است؛ غیر، هویت و انسجام گفتمان را تهدید می‌کند (Laclau & Mouffe, 1985:28). در مقابل، غیر نیز که در اینجا عمدتاً مهاجرین مسلمان هستند، به سمت یکپارچگی بیشتر حرکت می‌کند تا ظرفیت مقاومت خود را در برابر سلطه‌گری رقیب، افزایش دهد. لذا هرچه محدودیت‌ها، فشارها و تبعیضات علیه مسلمانان بیشتر شود، حس خودآگاهی و روحیه هویت‌طلبی آن‌ها در مقابل هویت رقیب، بیشتر تحریک خواهد شد.

در گفتمان راست افراطی اروپا، خصومت به معنای خشونت و حذف مهاجرین به‌ویژه مسلمانان تعریف شده است. این نوع رفتارهای خشونت‌آمیز در اروپا، موضوع جدیدی نیستند؛ اما در برهه‌هایی با توجه به شرایط سیاسی تشدید شده است. حمله به مسجد فینسبوری^۱ در لندن

در سال ۲۰۱۷، حملات آندرس بری و یک در نروژ و رفتارهای خشونت آمیز توسط گروه‌های راست افراطی از آلمان و سوئد تا مجارستان، یادآور این نکته است که تهدید افراط‌گرایی فراتر از یک تهدید اسمی است.

فقط در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۷، ۱۹۲ جرم اسلام ستیزانه علیه مسلمانان و یا تأسیسات اسلامی در آلمان ثبت شده است. (دویچه وله در، ۲۰۱۷/۰۸/۱۸) براساس گزارش انجمن مراکز مشاوره برای قربانیان جناح راست افراطی^۱، افراط‌گرایان راست در سال ۲۰۱۸ بیش از ۱۲۰۰ حمله را در ایالات شرقی آلمان انجام دادند که در این میان مسلمانان و مساجد به یکی مهم‌ترین اهداف جریان راست افراطی تبدیل شده است (Daily Sabah, 04/04/2019).

در هلند نیز اسلام‌ستیزی به‌عنوان یکی از استراتژی‌های اصلی احزاب راست تندرو مانند حزب آزادی (PVV) بوده است. این احزاب به احساسات عمومی علیه اسلام دست‌زده‌اند و با گسترش ایدئولوژی ملی‌گرایی نژادی و هشدار در رابطه با اسلامیزه شدن اروپا، اسلام را به‌عنوان مهم‌ترین دشمن فرهنگ اروپایی معرفی می‌کنند (Senocak, 2017:5).

موارد دشمنی با مسلمانان در فرانسه و بریتانیا نیز در حال افزایش است. (دویچه وله در، ۲۰۱۳/۰۸/۱۷) در فرانسه اقلیت‌های مسلمان شمال آفریقا بیشتر به‌عنوان «مغربی^۲» شناخته می‌شوند تا «فرانسوی‌های مسلمان^۳». به این ترتیب اسلام در فرانسه بیشتر به‌عنوان یک نشانگر قومی شناخته می‌شود که دارای ابعاد مذهبی است. با این حال، از آنجایی که آمار قومی یک مسئله مجادله‌آمیز در فرانسه است، هیچ آمار رسمی وجود ندارد که بتواند به‌طور مناسب این پدیده را تأیید کند (Triandafyl- lidou, 2015:6-7). در فرانسه به‌ویژه بعد از حملات تروریستی سال ۲۰۱۵ به مجله طنز فرانسوی شارلی ابدو در پاریس، تعداد جرایم خشونت‌بار علیه مسلمانان سیر صعودی داشته است. براساس کمیسیون ملی حقوق بشر فرانسه، بیش از ۴۰۰ واقعه خشونت‌بار علیه مسلمانان در سال ۲۰۱۵ رخ داد که افزایش ۲۲۳ درصدی جنایات نفرت علیه مسلمانان را نشان می‌دهد (Engy, 2017:45) در یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۶، ۴۶ درصد از پاسخ‌دهندگان فرانسوی ابراز نگرانی کردند که پناهندگان احتمال بروز تروریسم در کشورشان را افزایش می‌دهد (Engy, 2017: 33).

1. Association of Counseling Centers for Victims of Right- wing
2. Maghrebins
3. French Muslims

در انگلستان نیز ۵۲ درصد معتقدند پذیرش پناهندگان احتمال تروریسم در کشور را افزایش می‌دهد (Engy,2017:38). بنا بر گزارشی تنها در لندن از ژوئیه ۲۰۱۴ تا ژوئیه ۲۰۱۵، بیش از ۸۰۰ جنایت علیه مسلمانان رخ داده است که نشان‌دهنده افزایش ۷۰ درصدی چنین حملات است. تا نوامبر ۲۰۱۵، هنگامی که حملات تروریستی در پاریس رخ داد، ۸۷۸ حمله ضد مسلمان در لندن گزارش شده بود. برخی تحقیقات نشان می‌دهد که مسلمانان دوازده برابر بیشتر از هم‌تایان مسیحی خود قربانی یک جنایت نفرت شده‌اند. براساس تحقیقات صورت گرفته از انجمن افسران ارشد پلیس، پنجاه تا شصت درصد از کل گزارش‌های جنایات نفرت‌آمیز در انگلیس علیه مسلمانان انجام شده است (Engy,2017:50).

در دانمارک، آلمان، بریتانیا، هلند، سوئد و فرانسه، مسلمانان پس از وقایع ۱۱ سپتامبر تحت بیشترین سوءظن‌ها قرار گرفته‌اند (Triandafyllidou,2015:9-10). بعد از مهاجرت‌های سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به اروپا در پی بحران سوریه، موج مسلمان ستیزی نیز در کشورهای اروپایی افزایش یافته است. در هلند که حدود یک میلیون مسلمان را دارا هست، در سال ۲۰۱۶ داده‌های نظرسنجی نشان داد ۶۱ درصد معتقد بودند که پناهندگان مسلمان احتمال تروریسم در این کشور را افزایش داده است (Engy,2017:37-38). براساس تحقیق پیو^۱، اروپایی‌ها اسلام را به‌عنوان تهدیدی برای فرهنگ و تمدن اروپایی تصور می‌کنند. نظرسنجی ایپسوس^۲ نیز نتیجه مشابهی را به دست آورد (Senocak,2017:5).

براساس «گزارش اروپایی اسلام‌هراسی^۳» (۲۰۱۸)، مسلمانان اولین قربانیان ظهور راست افراطی در اروپا هستند. براساس این گزارش، ظهور اسلام‌هراسی نه تنها امنیت مسلمانان بلکه امنیت و ثبات اروپا را نیز تهدید می‌کند (Bayrakli and Hafez,2019:12-13)؛ چراکه می‌تواند حرکت‌های هویت‌طلبانه در قالب رادیکالیسم اسلامی را افزایش دهد و اروپا را عرصه تعارضات خشونت‌آمیز بین افراط‌گرایان اسلامی و مسیحی نماید.

-
1. Pew
 2. Ipsos
 3. European Islamophobia Report

نتیجه‌گیری

گفتمان راست افراطی علی‌رغم برخی تفاوت‌ها از وقته‌های مشترک غیریت‌سازی و بیگانه‌ستیزی به‌ویژه نسبت به مسلمانان، پوپولیسم و ضدیت با اتحادیه اروپا برخوردار است؛ و با استفاده از دال مرکزی ناسیونالیسم نژادی زنجیره هم‌ارزی را ایجاد کرده است. یکی از مهم‌تری وجوه متمایز خیزش اخیر گفتمان راست افراطی نسبت گذشته، دغدغه‌ای هویتی و امنیتی آن‌ها است؛ و با عملیات متعدد تروریستی داعش در اروپا، زمینه برای امنیتی شدن اسلام و محدودیت حقوق سیاسی و اجتماعی مسلمانان فراهم آورده که فرضیه پژوهش حاضر را تقویت می‌کند. در سال‌های اخیر همراه با موج جدید مهاجرت به اروپا بعد از جنگ‌های عراق، لیبی و سوریه، بیش‌ازپیش زمینه برای خیزش مجدد گفتمان راست افراطی و جهت‌گیری مهاجرستیزی فراهم گردید. این گفتمان توانست در مدت کوتاهی با استفاده از ادبیات پوپولیستی به کرسی‌های قابل توجه در پارلمان‌های کشورهای اروپایی و پارلمان اروپا را به دست آورد؛ و برجسته کردن هویت خودی، به غیریت‌سازی در برابر مسلمانان پرداخت. این غیریت‌سازی از سوی گفتمان راست افراطی، با توجه به چالش‌های مختلفی که با آن مواجه هستند در چهار سطح فرهنگی، اقتصادی، جمعیتی و امنیتی صورت گرفته است. تصور از مهاجرین مسلمان در اروپا به‌مثابه هویت «غیر» در مقابل «خودی» شکل گرفت؛ که در سال‌های اخیر با توجه به شکل‌گیری بحران‌های مختلف سیاسی و امنیتی در اروپا، شکاف بین هویت خودی و غیر، عمیق‌تر شده و این زمینه را برای گسترش گفتمان راست افراطی و تعارضات بیشتر آن‌ها با مهاجرین و مسلمانان فراهم کرده است.

ظهور رادیکالیسم اسلامی به‌ویژه سوی نوکیشان مسلمان را می‌توان یکی از مهم‌ترین نتایج گسترش گفتمان راست افراطی در اروپا دانست که باعث گسترش شکاف اجتماعی و تبدیل مذهب به‌عنوان مظهر تعارض بین مسلمانان و مسیحیان اروپا شده است.

با توجه به مشکلات اقتصادی و افزایش نرخ بیکاری در بسیاری از کشورهای اروپایی، نوعی ذهنیت منفی در اروپا نسبت به مهاجرین شکل گرفته است. راست‌گرایان افراطی اروپا با استفاده از این بستر ذهنی، تلاش می‌کنند، موقعیت سیاسی خود را ارتقا داده و افکار عمومی را علیه مهاجرین به‌ویژه مسلمانان شکل بدهند. در این راستا، افزایش تعارضات و خشونت‌ها علیه مسلمانان از سوی احزاب و گروه‌های راست افراطی اروپا از یک‌سو و وجود نظام نابرابر

اجتماعی، تحقیر فرهنگی و احساس تبعیض بر مبنای عامل مذهب، نژاد و غیره، می‌تواند با تعمیق همبستگی و تحریک حس هویت‌طلبی اسلامی، زمینه‌ای برای بیداری مسلمانان در مواجهه با این ساختار نابرابر فراهم کند. این موضوع با در نظر گرفتن افزایش محبوبیت‌ها و موفقیت‌های احزاب راست افراطی در عرصه‌های سیاسی و دستیابی آن‌ها به قدرت در برخی کشورها، وضعیت نگران‌کننده‌ای را نسبت به آینده حیات اجتماعی مسلمانان، نمایان می‌سازد. این نگرانی در بطن خود می‌تواند از یک‌سوزمینه‌ساز بیداری و انسجام مسلمانان اروپا در راستای هویت‌طلبی اسلامی و گسترش هویت مقاومت علیه بی‌عدالتی، ظلم و تبعیضات اجتماعی شود و از سوی دیگر به گسترش رادیکالیسم اسلامی در اروپا دامن بزند.

امروزه، یکی از مهم‌ترین شکاف‌های مطالعاتی در رابطه با مسلمانان اروپا این است که عمده تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده، معطوف به فرایند انسجام مسلمانان در فرهنگ جامعه اروپایی است. لذا مطالعات کمتری در رابطه با میزان همگرایی و همبستگی مسلمانان اروپا در قالب نهادها و سازمان‌های اروپایی و ظرفیت جنبش آفرینی آن‌ها صورت گرفته است که جا دارد به‌عنوان یک پژوهش مستقل، بیشتر به این حوزه مطالعاتی پرداخته شود.

منابع

۱. ایوبی، حجت اله و نوربخش، سید نادر (۱۳۹۲). گسترش جریان راست افراطی در اروپا، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره ۶، شماره ۲۳، صفحات ۷۷-۱۱۹.
۲. جعفری فر، احسان و مجیدی، محمدرضا (۱۳۹۷). بحران امنیتی در غرب آسیا و قدرت یابی احزاب راست افراطی، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، دوره ۱، شماره ۳، صفحات ۱-۳۴.
۳. جوادی، امین رضا، موسوی زاده، علیرضا و متقی، ابراهیم (۱۳۹۶). تأثیر مهاجرت مسلمانان بر تقویت راست افراطی اروپا، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، سال ۸، شماره ۴، صفحات ۳۸-۶۱.
۴. خالوزاده، سعید (۱۳۹۴). مهاجرت، بحران جدید اتحادیه اروپا، موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، قابل دسترسی در: <https://tisri.org/?id=a3bwgt6k>
۵. دویچه وله (۲۰۱۷). افزایش حملات خشونت بار در آلمان، ۸ اکتبر، قابل دسترسی در: <https://p.dw.com/p/2iRyv>
۶. دویچه وله (۲۰۱۳). افزایش خشونت بانگیزه اسلام ستیزی در اروپا، ۱۷ اکتبر، قابل دسترسی در: <https://p.dw.com/p/19RUK>
۷. دهشیری، محمدرضا، وقاسمی، روح الله (۱۳۹۶). بحران های چهارگانه و خیزش راست افراطی در اروپا، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره ۱، شماره ۲۴، صفحات ۴۵-۷۸.
۸. سرل، جان (۱۳۸۷). افعال گفتاری: جستاری در فلسفه زبان، ترجمه محمدعلی عبداللهی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. سوسور، فردینال (۱۳۷۸). دوره زبان شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، تهران: هرمس.
۱۰. پوراسماعیلی، نجمه (۱۳۹۰). ترس اروپا از اسلام به نام دفاع از هویت: پیامدهای منفی برای مسلمانان، مرکز بین المللی مطالعات صلح، ۱۹ آذر، قابل دسترسی در: <https://peace-ipsc.org/fa/ترس-اروپا-از-اسلام-به-نام-دفاع-از-هویت-پ/>

۱۱. فرکلاف، نورمن (۱۳۸۱). *نظریه انتقادی گفتمان*، تهران: مرکز نشر رسانه‌ها.
۱۲. قادرزاده، امین و محمدزاده، حسین (۱۳۹۷). مطالعه پیمایشی هویت طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت کردهای ایران، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۷، شماره ۲، صفحات ۱۹-۴۲.
۱۳. کاستلز، م. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات*، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح.
۱۴. مجیدی، محمدرضا و حاتم‌زاده، عزیز... (۱۳۹۵). قدرت‌یابی گروه‌های راست افراطی در اروپا؛ علل و پیامدها، *فصلنامه سیاست*، دوره ۶، شماره ۲، صفحات ۴۱-۴۵۵.
۱۵. نظری، علی اشرف و سلیمی، برهان (۱۳۹۴). پوپولیسم راست افراطی در دموکراسی‌های اروپایی: مطالعه موردی فرانسه، *فصلنامه دولت پژوهی*، دوره ۱، شماره ۴، صفحات ۱۵۷-۱۸۵.
۱۶. نوذری، حسینعلی (۱۳۸۸). *صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته*، تهران: نقش جهان.
۱۷. یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۱). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
18. Alba, R. (2005). Bright vs. Blurred Boundaries: Second-Generation Assimilation and Exclusion in France, Germany and the United States, **Ethnic and Racial Studies**, 28(1).
19. Bayrakli, Enes and Feid Hafez (2019), "European Islamophobia Report", **SETA | Foundation for Political, Economic and Social Research**, available at: https://setav.org/en/assets/uploads/2019/09/EIR_2018.pdf (Accessed 10/01/2021).
20. Cesari, Jocelyne (2009). The Securitisation of Islam in Europe, **CEPS Challenge Paper**, No. 15, 9 April, Available at: aei.pitt.edu/10763/1/1826.pdf (Accessed 10/07/2021).
21. Conrad Hackett (2017). 5 facts about the Muslim population in Europe, **Pew Research Center**, Available at: <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2017/11/29/5-facts-about-the-muslim-population-in-europe/> (Accessed 20/08/2021).
22. **Daily Sabah** (2019). Over 1,200 violent far-right attacks reported in eastern Germany, Apr 4, Available at: <https://www.dailysabah.com/>

- europe/2019/04/04/over-1200-violent-far-right-attacks-reported-in-eastern-germany(Accessed 10/09/2021).
23. Eller, Lori Lynn (2017). Explaining the Rise of Far-Right Political Parties in Europe, **University of Tennessee Honors Program**, Available at: https://trace.tennessee.edu/cgi/viewcontent.cgi?referer=https://www.google.com/&httpsredir=1&article=3157&context=utk_chan-honoproj (Accessed 08/03/2021).
 24. Engy, Abdelkader (2017). A Comparative Analysis of European Islamophobia: France, UK, Germany, Netherlands, and Sweden, **Journal of Islamic and Near Eastern Law**, 16(1).
 25. **Euronews** (2019). EU elections 2019: Country-by-country full results, May 28, Available at: <https://www.euronews.com/2019/05/25/eu-elections-2019-country-by-country-guide-on-what-to-look-out-for>(Accessed 09/02/2021).
 26. **EUMC** (October 2003). Migrants, Minorities, and Employment, Available at: http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra_uploads/187-CS-Employment-en.pdf(Accessed 20/02/2021).
 27. **EUMC** (2006). Muslims in the European Union Discrimination and Islamophobia, Available at: http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra_uploads/156-Manifestations_EN.pdf (Accessed 10/08/2021).
 28. **Europe Muslim Population** (2014). Available at: <http://www.muslimpopulation.com/Europe/>(Accessed 10/01/2021)
 29. **European Commission** (2015). "The 2015 Ageing Report : Underlying Assumptions and Projection Methodologies", March, Available at: http://ec.europa.eu/economy_finance/publications/european_economy/2015/pdf/ee3_en.pdf (Accessed 25/08/2021).
 30. Foner, Nancy and Richard Alba (2008). Immigrant Religion in the U.S. and Western Europe: Bridge or Barrier to Inclusion, **International Migration Review**, 42(2).
 31. Golder, Matt (2016). Far Right Parties in Europe, **Annual Review of Political Science in Europe**, Vol.19, Available at: <http://mattgolder.com/files/research/arps.pdf> (Accessed 25/05/2021).
 32. Howarth, D. Noarval, A. and Stavrakakis, G. (2000). **Discours Theory**

and Political Analysis, Manchester University Press.

33. Kallis, Aristotle, Sara Zeiger and Öztürk, Bilgehan(2018). **Violent Radicalisation & Far-Right Extremism in Europe**, Istanbul :SETA, <http://www.hedayahcenter.org/Admin/Content/File-1112018103812.pdf> (Accessed 25/11/2020).
34. Karagiannis, Emmanuel (2011), Islamic Activism in Europe: The Role of Converts, **CTC Sentinel**, 4(8).
35. -Laclau, E & Mouffe, C. (1985). **Hegemony and Socialist Strategy: Toward a Radical Democratic Politics**, London: Verso.
36. Laurence, J., and Vaisse, J. (2006). **Integrating Islam: Political and Religious Challenges in Contemporary France**, Washington, DC: Brookings Institution Press.
37. Modood, T. 2005(). **Multicultural Politics: Racism, Ethnicity and Muslims in Britain**, Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
38. Olesen, Thomas (2009). Islamism as Social Movement, **Centre for Studies in Islamism and Radicalisation (CIR)**, Available at: https://ps.au.dk/fileadmin/site_files/filer_statskundskab/subsites/cir/pdf-filer/Hæfte2final.pdf (Accessed 25/07/2021).
39. ÖNER, Selcen (2014). Different Manifestation of the Rise of Far Right in European Politics: the Causes of Germany and Austria, **Marmara Journal of European Studies**, 22(2).
40. Peschlova, Kristina (April, 2015). Pediga's Rise and Fall: A Victim of its Own Success?, **Cenaa Policy Paper**, Available at: http://cenaa.org/wp-content/uploads/2015/04/PP_Pediga.pdf (Accessed 25/03/2021).
41. **Pew Research Center** (2015). The Future of World Religions: Population Growth Projections, 2010-2050 Apr 2, Available at: <http://www.pewforum.org/2015/04/02/religious-projections-2010-2050> (Accessed 15/03/2021).
42. Rodríguez-Aguilera, Cesáreo (2014). The Rise of The Far Right in Europe. **Geographical Overview**, Available at: https://www.iemed.org/observatori/arees-danalisi/arxius-adjunts/anuari/anuari-2014/Rodriguez-aguilera-far-right-europe_IEMed_yearbook_2014_EN.pdf (Accessed 10/03/2021).

43. Rostan, Pierre and Rostan, Alexandra (2019). When will European Muslim population be majority and in which country? **PSU Research Review**, 3(2), DOI 10.1108/PRR-12-2018-0034.
44. Samad, Unas and Sen, Kasturi (2007). **Islam in the European Union: Transnationalism, Youth and the War on Terror**, Oxford University Press.
45. Schain, Martin A. (2018). Radical-Right Populism and Immigration Policy in Europe and the United States, **Washington Migration Policy Institute**. Available at: <https://www.migrationpolicy.org/research/radical-right-immigration-europe-united-states> (Accessed 10/04/2021).
46. Senocak, Naciye Selin (2017). Cultural Integration of Muslims in Europe: Prevention of Cultural Misunderstanding and Radicalism, **Institute for European Studies (IES)**, Available at: http://aei.pitt.edu/92502/1/EL%2DCSID_WorkingPaper_2017%2D05_CulturalIntegrationOfMuslimsInEurope.pdf (Accessed 15/03/2021).
47. **The Guardian** (2008). I don't hate Muslims. I hate Islam, Feb 17, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2008/feb/17/netherlands.islam> (Accessed 12/03/2021).
48. Triandafyllidou, Anna (2015). European Muslims: Caught between Local Integration Challenges and Global Terrorism Discourses, **Istituto Affari Internazionali (IAI)**, Available at: <https://www.osce.org/networks/newmedtrackII/166511> (Accessed 25/03/2021).
49. Van der Brug, Wouter, Fennema, Meindert and Tillie, Jan (2000). Anti-Immigratn Parties in Europe: Ideological or Protest vote?, **European Journal of Political Search**, 37(1).
50. Zuquete, J. P. (2008). The European Extreme-right and Islam: New Directions?“, **Journal of Political Ideologies**, 13(3).